



موارد وجوب زکات در اسلام

پدیدآورنده (ها) : نظری، مهدی

فقه و اصول :: نشریه فقه اهل بیت :: تابستان ۱۳۸۳ - شماره ۳۸ (ISC)

صفحات : از ۱۱۳ تا ۱۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/102249>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۵/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- چکیده مقالات شماره های ۱ تا ۴۰ فصلنامه پژوهش های قرآنی
- موارد وجوب خمس و زکات
- مقایسه دیدگاه دیوبندیه و وهابیت در مسئله توسل
- قاعده لاضرر و تعارضات فرد و اجتماع در جامعه
- ارتباط وجوهات شرعی و مالیات های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی (دلالت هایی برای حل پرداخت های دوسویه)
- خمس
- مسائل مستحدثه در فقه اسلامی احکام سقط جنین در اسلام
- جمع قرآن
- بررسی جمع قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام از نگاه مستشرقان و اهل سنت
- مؤلفه های نظریه امنیت پایدار در اسلام
- مروری کوتاه بر تاریخ نگاران و تاریخ نگاری های معاصر ایران ما و تاریخ نگاری جدید
- رهیافتی به مفهوم واژه قرآنی «کلاه»

عناوین مشابه

- موارد زکات در اسلام
- مبانی نظریه عدم انحصار وجوب زکات در موارد نهگانه
- مقایسه تطبیقی آموزه های اخلاقی اسلام و قوانین موضوعه ایران در حمایت از حریم اطلاعات خصوصی و موارد مجاز ورود به آن
- اصول حاکم بر زکات در مالیه عمومی اسلام
- سیمای زکات در اسلام (۲)
- موارد زندان ابد در اسلام
- سیمای زکات در اسلام
- بررسی موارد شناسایی مسولیت در دولت ها در قبال دفاع مشروع (با رویکرد تطبیقی به حقوق اسلام و حقوق بین الملل)
- انواع مالکیت در اسلام و موارد آنها
- ارتداد از موارد کفر در احادیث پیشوایان اسلام

موارد وجوب زکات در اسلام

○ مهدی نظری

چکیده

بیشتر فقیهان شیعه موارد وجوب زکات را در نه مورد منحصر دانسته‌اند، اما بررسی ادله قرآنی و روایی این موضوع نشان می‌دهد که نه تنها هیچ آیه‌ای بر چنین انحصاری دلالت ندارد، بلکه آیات گوناگونی حکایت از اطلاق و عمومیت در موارد زکات دارد. روایات نیز اگرچه در این زمینه متعارض به نظر می‌رسد، ولی جمع مطلوب میان آنها اقتضای کند که تفاوت آنها را برخاسته از تغییر شرایط زمانی و مکانی بدانیم و این گویای این نکته است که شارع مقدس موارد خاصی را برای زکات به صورت انحصاری تعیین نکرده است، بلکه تعیین آن از احکام حکومتی است که به دست حاکم اسلامی و براساس شرایط و مقتضیات هر عصر می‌باشد.

مقدمه

هر کس اندکی با اسلام و احکام آن آشنایی داشته باشد، اهمیت زکات و جایگاه رفیع آن را در اسلام به خوبی می‌داند. قرآن کریم در آیات متعددی (۲۸ آیه) زکات را در کنار نماز

آورده و پرداخت آن را مورد تأکید و سفارش قرار داده است.

علاوه بر آن، در آیات بسیار زیادی با عنوان «صدقه» و «انفاق» که به زکات تفسیر شده است، به انجام این فریضه الهی دستور داده شده است.

همچنین در روایات فراوان و متواتری که از شیعه^۱ و سنی^۲ به ما رسیده زکات، پس از نماز، مهم ترین پایه دین محسوب شده و علما و فقهای همه مذاهب اسلامی وجوب آن را از ضروریات اسلام دانسته اند.

اما با این همه عظمت و اهمیتی که زکات در اسلام دارد، حق آن، چنان که شایسته آن است، ادا نشده و به رغم گذشت زمان و تغییر موضوعات، همچنان مباحث آن در قالب موضوعات و شرایط عصرهای گذشته مطرح می شود. «موارد وجوب زکات» یکی از مباحث بسیار مهم زکات است که در فقه شیعه تحول قابل ملاحظه ای نیافته و کماکان در قالبهای گذشته مطرح می شود. با آنکه بر اثر پیشرفت تمدن و تغییر شرایط زندگی، در منابع و موارد ثروت تغییرات بنیادینی صورت گرفته، هنوز اکثر فقهای شیعه بر این عقیده اند که زکات مال فقط در موارد نه گانه گندم، جو، خرما، کشمش، طلا و نقره مسکوک، شتر، گاو و گوسفند واجب است.

این موارد نه گانه در زمان پیامبر ﷺ و زمانهای نزدیک به آن، منابع اصلی ثروت مردم بوده است ولی امروزه این گونه نیست. امروزه در معاملات به جای درهم و دینار، انواع مختلف پول رایج است، شتر، گاو و گوسفند بیابان چر، هم به ندرت یافت می شود؛ غلاتی مانند خرما و کشمش در بسیاری از مناطق کشت نمی شود و بر فرض آنکه کشت شود، مقدار آن در برابر ثروتهایی مانند املاک و مستغلات گران قیمت، کارخانجات و شرکتهای بزرگ، مزارع و باغات بزرگ میوه، درآمد شغلهای آزاد و... بسیار ناچیز است. این در حالی است که موارد هشت گانه مصرف زکات که به صراحت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷.

۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۷۶.

در قرآن کریم نام برده شده^۱، در همه جوامع وجود دارد.

به هر حال پرسش و اشکال اساسی که در خصوص انحصار زکات در موارد نه گانه مطرح است، آن است که چرا زکات که پس از نماز، مهم ترین فریضه الهی بوده و برای آن، مصارف مختلفی تعیین شده است، در اشیایی قرار داده شده که فقط در برهه خاصی از زمان، ثروت اصلی مردم بوده و اکنون بسیاری از موارد آن منتفی است.

بررسی دیدگاه فقها

الف) دیدگاه فقیهان امامی

اگر چه بیشتر فقیهان امامی زکات را فقط در نه چیز واجب دانسته و برخی مانند سید مرتضی، شیخ طوسی و ابن زهره، بر آن ادعای اجماع کرده اند،^۲ لکن بعضی از پیشینیان مانند ابن جنید اسکافی^۳ و تعدادی از محققان معاصر^۴ این قول را نپذیرفته و زکات را در اشیایی بجز موارد نه گانه ثابت دانسته اند. عده ای هم به دلیل تعارض و اختلاف اخبار، احتیاط کرده و ترك آن را در حیوانات و اشیایی که ظاهر بعضی از اخبار بر وجوب آن دلالت دارد، جایز ندانسته اند.^۵

در هر صورت نظرات فقیهان امامی را می توان در یک دسته بندی کلی به دو دسته تقسیم کرد:

۱. قرآن کریم در خصوص مصرف زکات می فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ سَبِيلٍ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ صدقات (زکات) برای فقیران است و مسکینان و کارگزاران جمع آوری آن و نیز برای به دست آوردن دل مخالفان و آزاد کردن بندگان و قرض داران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند و آن فریضه ای است از جانب خدا و خدا دانا و حکیم است.
۲. الینابیع الفقهیه، ج ۵، ص ۷۳، ۲۳۵ و ج ۲۹، ص ۵۸.
۳. مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۷۰.
۴. محمد تقی جعفری، رسائل فقهی، ج ۱، ص ۶۶.
۵. مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۴، ص ۴۱؛ منتظری، التعلیقه علی العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۵۳.

۱. دیدگاه مشهور

مشهور فقیهان امامی، بلکه اکثریت آنان معتقدند زکات در نه چیز، واجب است و این نه چیز عبارت است از: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره مسکوک.^۱ بزرگانی مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، محقق حلی، شهیدین و بیشتر فقهای متأخر و معاصر، این قول را اختیار کرده و برخی بر آن ادعای اجماع کرده اند.^۱

شیخ صدوق در کتاب المقتنع^۲ می گوید:

زکات در نه چیز است: در گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره و پیامبر ﷺ غیر از این موارد را بخشید.

در المقتنع^۳ تالیف شیخ مفید نیز آمده است:

زکات فقط در نه چیزی واجب است که پیامبر ﷺ فریضه زکات را در آن قرار داد و آن نه چیز عبارت است از: طلا، نقره، گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و گوسفند و پیامبر ﷺ غیر از این موارد را بخشید.

ابن زهره در غنیه^۴ می نویسد:

زکات در نه چیز واجب است: طلا و نقره و آنچه از زمین می روید، شامل گندم، جو، خرما و کشمش و شتر، گاو و گوسفند بدون اختلاف، و در غیر آنچه ذکر کردیم، واجب نیست، به دلیل اجماع.

فتاوا و عبارات سایر فقهای طرفدار این قول تقریباً مشابه عبارت مذکور است؛ با این تفاوت که بعضی چون سید مرتضی^۵ و صاحب حدائق^۶ احادیثی را که ظاهر آن دلالت بر

۱. البنایع الفقهیه، ج ۵، ص ۹، ۲۷، ۷۳، ۱۱۴، ۳۵۰، ۴۱۸؛ اللمه، ص ۴۷؛ الروضه، ج ۲،

ص ۱۳؛ منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۳؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۰.

۲. البنایع الفقهیه، ج ۵، ص ۹.

۳. همان، ص ۲۷.

۴. همان، ص ۲۳۵.

۵. همان، ص ۷۶.

۶. بحرانی، ج ۱۲، ص ۱۰۸.

۱۱۶
سال ۱۰ شماره ۳۸

ثبوت زکات در پاره‌ای از حبوبات، مثل برنج، ارزن و ... دارد، بر تقیه حمل کرده‌اند، ولی شیخ مفید و شیخ طوسی و بیشتر کسانی که پس از آن دو آمده‌اند، به استحباب این موارد فتوا داده‌اند^۱.

۲. دیدگاه غیر مشهور

چنان که گفتیم، در میان فقیهان امامی تعداد معدودی، قول مشهور را نپذیرفته و به وجوب زکات در مواردی بجز اشیای نه گانه قائل شده و یا بنا بر احتیاط، ترك آن را در این اشیای جایز ندانسته‌اند. حال با توجه به اهمیت موضوع و تفاوتی که در گفته‌های این دسته از فقیهان وجود دارد، نظرات اینان را در پنج قول جداگانه بررسی می‌کنیم.

قول اول: اختصاص موارد نه گانه به صدر اسلام

وجوب زکات در موارد نه گانه مربوط به آغاز نبوت پیامبر ﷺ است. این قول به یونس بن عبدالرحمن از راویان بزرگ شیعه و از اصحاب امام رضا ﷺ نسبت داده شده است.

بنا بر نقل مرحوم کلینی در کافی^۲ یونس بن عبدالرحمن در تبیین این حدیث که پیامبر ﷺ زکات را در نه چیز قرار داد و سایر موارد را بخشید، می‌گوید:

این مطلب مربوط به آغاز نبوت پیامبر ﷺ بود؛ همان گونه که نماز در آغاز بعثت، ده رکعت، بود و سپس پیامبر ﷺ هفت رکعت به آن افزود، زکات را نیز ابتدا در نه چیز واجب کرد و سپس آن را در همه حبوبات قرار داد.

ظاهر عبارات کلینی در کافی و عناوینی که برای بابهای مربوط به این موضوع به کار برده است^۳ دلالت دارد بر اینکه او علاوه بر اشیای نه گانه، زکات را در مواردی مانند مال التجاره، حبوباتی مثل برنج، ذرت، ارزن، کنجد و همچنین اسب ماده واجب می‌دانسته است.^۴

۱. الینایع، ج ۵، ص ۳۴، ۱۱۵، ۱۵۰، ۲۵۰، ۲۸۳.

۲. ج ۳، ص ۵۰۹.

۳. ج ۳، ص ۵۰۹-۵۳۰.

۴. مرحوم کلینی در کافی احادیث مربوط به متعلقات زکات را عمدتاً در پنج باب دسته بندی کرده است:

الف) «باب ما وضع رسول الله (ص) الزکاة علیه».

قول دوم: وجوب زکات در مال التجاره

این قول به شیخ صدوق و پدرش نسبت داده شده است^۱ که قائل به وجوب زکات در مال التجاره بوده اند.

در کتاب فقه الرضا^۲ که منسوب به امام رضا^۳ است، عبارتی در خصوص زکات مال التجاره آمده است. شیخ طوسی نیز در مبسوط^۴ می نویسد:

بنا بر نظر تر اصحاب ما زکات در مال التجاره واجب نیست، لکن عده ای از آنان گفته اند: در قیمت مال التجاره، زکات واجب است؛ لذا برای محاسبه با درهم و دینار قیمت گذاری می شود. برخی دیگر نیز گفته اند: چنانچه کسی کالای تجاری را به همان قیمتی که خریده و یا به قیمتی بالاتر بفروشد، فقط برای یک سال باید زکات آن را پردازد، ولی اگر به قیمتی کمتر از قیمتی که خریده است، از او بخرند، بر طبق نظر همه علمای شیعه، پرداخت زکات آن لازم نیست.

قول سوم: قول ابن جنید اسکافی

علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه^۵ می گوید:

ابن جنید معتقد است زکات از محصول زمینهای عشری از تمام چیزهایی که با قفیز پیمانه می شود، از قبیل گندم، جو، کتجد، برنج، ارزن، ذرت، عدس، سلت (جو پوست کنده) و سایر حبوبات، مثل خرما و کشمش گرفته می شود.

هم او در جای دیگر از این کتاب^۵ می نویسد:

> (ب) «باب مایزگی من الحبوب».

(ج) «باب ما لاتجب فيه الزكاة مما تثبت الارض من الخضر و غیرها».

(د) «باب الرجل یشتری المتاع فیکسد علیه و المضاربة».

(ه) «باب ما یجب علیه الصدقة من الحيوان و ما لایجب».

۱. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۷۶.

۲. الینایع، ج ۵، ص ۵.

۳. همان، ج ۲۹، ص ۱۶۳.

۴. ج ۳، ص ۷۰.

۵. ص ۷۱-۷۲.

ابن جنید زکات را در غسل، زیتون، و روغنی که از زمینهای عشری به دست می‌آید، واجب می‌دانسته است.

قول چهارم: وجوب زکات در پولهای رایج

فاضل محقق، محمد جواد مغنیه در کتاب **فقه الامام الصادق**^۱ می‌نویسد:

همه فقهای معاصر یا بیشتر آنها گفته‌اند: به پولهای کاغذی (اسکناس و...) زکات تعلق نمی‌گیرد، دلیل این مطلب، استناد به احادیثی است که نص آن بر طلا و نقره بودن نقدین دلالت دارد، لکن ما قول آنان را نمی‌پذیریم و معتقدیم زکات به هر چیزی که اسم پول بر آن صادق باشد، تعلق می‌گیرد؛ زیرا درهم و دینار در کلام اهل بیت **علیهم‌السلام** وسیله، تلقی شده است، نه هدف؛ به دلیل آنکه طلا و نقره تنها پول رایج در زمان ایشان بوده است.

آیه الله منتظری نیز پس از ذکر اقوال مختلف در این مسئله و بررسی ادله قائلان به وجوب می‌گوید: «بنا بر احتیاط، زکات در تمام اوراق مالی که به جای نقدین رایج شده، لازم است»^۲.

علامه فقید، محمد تقی جعفری در این خصوص گوید:

به نظر می‌رسد معیار و ملاک اصلی در زکات نقدین، ارزش مبادله‌ای و جنبه پولی آنهاست و جنس درهم و دینار موضوعیت ندارد. در زمانهای گذشته، دوفلز طلا و نقره، وسیله مبادله کالا و کار و درآمد بود و طلا و نقره هم روی ارزش مبادله‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت. الآن اسکناس و اوراق بهادار همان کار را می‌کند. بنابراین زکات نقدین شامل دیگر اوراق نقدی (پول) نیز می‌شود و دلیل این مدعا ملاکی است که از روایات در وجوب زکات درهم و دینار و طلا و نقره استفاده می‌کنیم و آن ملاک این است که تمام الموضوع جنبه پول بودن و ارزش مبادله‌ای آنهاست، خواه طلا و نقره باشد یا چیز دیگر؛ مثل اسکناس و اوراق بهادار.^۳

۱. ج ۲، ص ۷۶.

۲. کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳. مجله فقه اهل بیت، شماره ۱۱-۱۲، ص ۱۳۹.

قول پنجم: توسعه موارد وجوب زکات بنا بر صلاح‌دید حاکم اسلامی

بنابراین دیدگاه، موارد وجوب زکات به موارد نه گانه اختصاص ندارد، بلکه به دلیل تغییر و تحول در منابع و موارد ثروت و احتیاجات جوامع بشری در زمانها و مکانهای مختلف، حاکم اسلامی می‌تواند به اقتضای مصلحت و نیاز جامعه اسلامی، موارد وجوب زکات را توسعه دهد.

برخی از فقهای معاصر؛ از جمله شهید سید محمد باقر صدر، مرحوم علامه محمد تقی جعفری و آیه الله منتظری، این نظریه را پذیرفته و یا آن را محتمل دانسته‌اند.

شهید سید محمد باقر صدر ضمن تقسیم احکام اسلام به احکام ثابت و متغیر، اقدام حضرت علی علیه السلام در گرفتن زکات از اسب را از مصادیق احکام متغیر می‌داند و می‌گوید:

این عنصر متغیر در احکام اسلام، آشکار می‌سازد که زکات به عنوان یک نظریه اسلامی، به مال خاصی اختصاص ندارد، بلکه ولی امر مسلمین می‌تواند بر هر چه ضروری بداند، آن را انطباق دهد.^۱

آیه الله منتظری نیز در قالب یکی از راههای حل تعارض اخبار، این نظریه را به عنوان احتمال مطرح کرده است.^۲

استاد جعفری نیز با انحصار زکات در اشیای نه گانه مخالفت کرده و می‌گوید:

اگر زکات موارد مزبور نتوانست احتیاجات جامعه را برطرف کند، حاکم و پیشوای اسلامی می‌تواند مواد دیگری را مشمول مالیات قرار دهد و تعیین موارد و شرایط، مربوط به نظر او خواهد بود.^۳

ضمناً برخی از فقهای معاصر با اینکه موارد وجوب زکات را منحصر در موارد نه گانه دانسته‌اند، معتقدند در هنگام ضرورت و در صورت نیاز جامعه اسلامی، ولی فقیه می‌تواند از باب عنوان ثانوی، زکات را به سایر اشیا توسعه دهد.^۴

۱. الاسلام یقود الحیاة، ص ۴۳-۵۲.

۲. کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۶۷.

۳. رسائل فقهی، ج ۱، ص ۶۶.

۴. مجله فقه اهل بیت، شماره ۱۰، ص ۱۲۷ و شماره ۱۱، ص ۱۲۴.

ب) دیدگاه فقیهان اهل سنت

اگر چه دیدگاه فقهای اهل سنت در خصوص موارد وجوب زکات، یکسان نیست، لکن اکثر آنان زکات را در بیشتر از اشیای نه گانه واجب دانسته اند. جزیری در الفقه علی المذاهب الاربعه می گوید:

زکات در پنج نوع از اشیا واجب است: اول، در چهار پایان که عبارتند از شتر، گاو و گوسفند... و در غیر این حیواناتی که نام بردیم، زکات نیست؛ بنابراین در اسب، قاطر، الاغ، یوز، سگ تربیت شده و مانند اینها زکات نیست، مگر آنکه برای تجارت باشد. دوم، طلا و نقره؛ گر چه مسكوك هم نباشد. سوم، کالاهای تجارتي. چهارم، معدن و گنج. پنجم، زراعت و میوه ها و در غیر این پنج نوع زکاتی نیست.^۱

در عین حال گفته شده است که عده ای مانند حسن بصری، ابن سیرین، حسن بن صالح بن حی، ابن ابی لیلی و احمد بن حنبل در یکی از دو روایتش زکات را منحصر در اشیای نه گانه دانسته اند.^۲

برخی از علمای معاصر اهل سنت^۳ نیز تلاش کرده اند متعلقات زکات را با نیازها و مقتضیات زمان انطباق دهند و از این رو تعیین موارد وجوب آن را از اختیارات حاکم اسلامی دانسته اند و در بسیاری از منابع ثروت امروزی از قبیل املاک و مستغلات، وسایل نقلیه، حقوق کارگران و کارمندان و درآمد شغل های مختلف و... پرداخت زکات را واجب دانسته اند.^۴

در خصوص اسکناس و سکه های رایج نیز جمهور فقها (فقهای حنفی، مالکی و شافعی) زکات را در آن واجب می دانند، ولی پیروان مذهب حنبلی، زکات را در آن واجب ندانسته اند، جز آنکه عملاً به طلا و نقره تبدیل شود.^۵

۱. ج ۱، ص ۵۹۶.

۲. علامه حلی، المعبر، کتاب الزکاة.

۳. قرضای، یوسف، فقه الزکاة، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۳۰.

۴. فقه الزکاة، ج ۱، ص ۲۰۳، ۲۳۰.

۵. الفقه الاسلامی وادلته، ج ۲، ص ۷۷۲.

در قرآن کریم با اینکه پرداخت زکات به عنوان یک واجب مالی در آیات متعددی مورد تأکید قرار گرفته، لکن به طور مشخص موارد وجوب آن معین نشده است؛ اگر چه برخی^۱ بسا استناد به عموم آیاتی از قبیل «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»^۲ و «انْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ»^۳ موارد وجوب زکات را قابل توسعه به اموال مختلف دانسته اند. به منظور روشن شدن مطلب، دلالت آیات فوق را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا».

در این آیه شریفه، خداوند متعال به پیامبر ﷺ دستور می دهد، قسمتی از اموال مسلمانان را به عنوان زکات بگیرد. حال با عنایت به اینکه کلمه «اموال» به صیغه جمع آمده و به ضمیر «هم» اضافه شده، بنابر اصطلاح اصولیان، مفید عموم است و انواع مختلف اموال را شامل می شود. بنابراین ظاهر و عموم آیه دلالت دارد بر اینکه زکات به همه اموال تعلق می گیرد، نه مال خاصی.

شیخ طوسی در تفسیر تبیان^۴ در باره این آیه می نویسد:

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ» دلالت دارد بر اینکه گرفتن زکات باید از اموال مختلف باشد؛ زیرا «اموال» جمع مال است، ولی اگر می گفت «خُذْ مِنْ مَالِهِمْ»، وجوب گرفتن زکات از یک جنس استفاده می شد.

با استناد به عموم این آیه، گفته شده است درست است خداوند در این آیه به پیامبر ﷺ دستور می دهد از اموال مختلف زکات بگیرد، لکن در مقام بیان همه خصوصیات، جزئیات و مقادیر زکات نیست؛ از این رو بر طبق آیه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ

۱. محمد تقی جعفری، رسائل فقهی، ج ۱، ص ۶۶؛ یوسف قرضاوی، فقه الزکاة، ج ۱، ص ۱۲۴.

۲. توبه/۱۰۳.

۳. بقره/۲۶۷.

۴. ج ۵، ص ۲۹۲.

لَتَبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَلَ إِلَيْهِمْ»^۱ و مانند آن، باید در خصوص موارد وجوب زکات و جزئیات آن، به سنت پیامبر ﷺ مراجعه کرد و چنان که در بسیاری از روایات آمده، پیامبر ﷺ زکات را در نه چیز قرار داد و سایر موارد را بخشید. مرحوم کلینی در کافی^۲ به سند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده است که امام صادق ﷺ فرمود:

وقتی آیه زکات «خُدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ ...» نازل شد، پیامبر ﷺ به منادی دستور داد که اعلام کند خداوند متعال بر شما زکات را واجب کرد؛ همان گونه که نماز را واجب کرده است. پس خداوند زکات را در طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش واجب کرد. پیامبر ﷺ غیر از این موارد را بخشید.

به این استدلال، چنین پاسخ داده شده است:

روایاتی که موارد وجوب زکات را منحصر در موارد نه گانه می‌داند، با روایات فراوان دیگر متعارض است؛ بنابراین عموم آیاتی که دلالت بر اخراج زکات از اموال دارد، قابل تمسک خواهد بود.^۳

عده‌ای نیز گفته‌اند:

زکات اشیای نه گانه احتمالاً یک حکم حکومتی و موقتی بوده که پیامبر ﷺ با توجه به شرایط و مقتضیات عصر خود به آن دستور داده است. بنابراین به عنوان یک حکم دائمی نمی‌تواند مخصص عموم آیه شریفه باشد.^۴

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ»^۵.

برخی از مفسران اهل سنت معتقدند که منظور از انفاق در این آیه شریفه، زکات واجب است؛ از این رو به عموم آن در خصوص وجوب زکات مال التجاره و همه محصولات که از زمین می‌روید، استناد کرده‌اند.

جصاص در احکام القرآن^۶ گوید: «از عده‌ای از پیشینیان، مثل حسن و مجاهد روایت شده

۱. نحل / ۴۴.

۲. ج ۳، ص ۴۹۷.

۳. محمد تقی جعفری، رسائل فقهی، ج ۱، ص ۶۶.

۴. کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۶۶.

۵. بقره / ۲۶۷.

۶. ج ۲، ص ۱۷۴.

که منظور از «انفقوا من طیبات ما کسبتم» انواع کسب و تجارت است^۱. او در ادامه می نویسد:

این آیه، صدقه در سایر اموال را نیز واجب می کند؛ زیرا «ما کسبتم» شامل سایر اموال هم می شود؛ اگر چه مقدار آن را تعیین نکرده است. بنابراین این از جهت فراگیر بودن نسبت به همه اموال، عام است، ولی از جهت تعیین مقدار واجب، مجمل است و احتیاج به آن در جایی که در وجوب حق زکات، اختلاف وجود دارد، مثل مال التجاره صحیح است؛ پس می توان به ظاهر آن در خصوص وجوب زکات در کالاهای تجارتمی و اسب، احتیاج کرد و «مما اخرجناکم من الارض» عام است در وجوب زکات در هر چه از زمین می روید؛ کم باشد یا زیاد.

مرحوم طبرسی در مجمع البیان^۱ می نویسد:

در باره این آیه چند قول وجود دارد:

قول اول: در این آیه به زکات واجب دستور داده شده است (قول عیبده سلمانی و حسن).

قول دوم: دستور صدقه مستحبی است؛ زیرا مقدار صدقات واجب مشخص است و اگر کمتر از آن پرداخت شود، به عنوان دین بر عهده پرداخت کننده باقی می ماند تا آنکه تمام آن را پرداخت کند (قول جبائی).

قول سوم: این آیه، هم صدقات واجب را شامل می شود و هم صدقات مستحب را. این قول صحیح تر است و مقصود از آن انفاق در راه خیر و اعمال نیک است.

در هر صورت، حتی اگر بپذیریم که عموم آیه، زکات واجب را هم شامل می شود، در خصوص شمول آن نسبت به مواردی غیر از اشیای نه گانه اشکال کرده اند که این عموم با احادیث فراوانی که زکات را منحصر در موارد نه گانه می داند، تخصیص خورده است.

سید مرتضی در پاسخ کسانی که به این آیه شریفه در خصوص وجوب زکات در غیر از موارد نه گانه استناد کرده اند، می گوید:

لفظ نفقه بر زکات اطلاق نمی شود، مگر مجازاً و از اطلاق لفظ انفاق بجز موارد مباح (اختیاری و مستحبی) و مانند آن فهمیده نمی شود. با این همه، حتی اگر ظاهر عموم آیه را بپذیریم، باز تخصیص آن با بعضی از ادله ای که ذکر کردیم، جایز است^۲.

۱. ج ۱، ص ۳۴۱.

۲. الینایع الفقهیه (الانتصار)، ج ۵، ص ۷۵.

ب) روایات

با مراجعه به کتب حدیث و تتبع در آن، اخبار مربوط به متعلقات زکات را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. اخبار حاکی از اینکه پیامبر اسلام ﷺ زکات را در نه چیز قرار داد و غیر آن را بخشید.
۲. روایاتی که تصریح دارد موارد وجوب زکات، همان نه چیزی است که پیامبر ﷺ زکات را در آن قرار داد.
۳. روایاتی که بر وجوب زکات در غیر از موارد نه گانه ظهور دارد.
۴. اخباری که علت تشریح زکات را عمدتاً رفع نیازمندان دانسته و تصریح دارد بر اینکه به اندازه کفایت نیازمندان در اموال ثروتمندان زکات قرار داده شده است.

روایات دسته اول

چنان که گفتیم، این دسته از روایات، دلالت دارد بر اینکه پیامبر ﷺ زکات را در نه چیز قرار داد و غیر آن را بخشید. ظاهر این روایات فقط نقل سیره پیامبر ﷺ در خصوص گرفتن زکات است. اگر چه اشعار دارد بر اینکه ائمه با استناد به این احادیث می خواسته اند ثابت کنند حکم فعلی، همان سنت پیامبر ﷺ یعنی وجوب زکات در نه چیز است.

بعضی از این روایات عبارت است از:

۱. صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق ﷺ:

قال ابو عبدالله ﷺ: لما نزلت آية الزكاة «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» في شهر رمضان، فامر رسول الله ﷺ مناديه، فنادى في الناس: ان الله تبارك وتعالى قد فرض عليكم الزكاة كما فرض عليكم الصلاة، ففرض الله عليكم من الذهب والفضة والابل والبقر والغنم ومن الحنطة والشعير والتمر والزبيب ونادى فيهم بذلك في شهر رمضان وعفى لهم عما سوى ذلك.^۱

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۲.

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی آیه زکات «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به منادی دستور داد اعلام کند خداوند متعال بر شما زکات را واجب کرد، همان گونه که نماز را واجب کرده است؛ پس خداوند زکات را در طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش واجب کرد. این حکم در ماه رمضان اعلام شد و پیامبر غیر از این موارد را بخشید.

۲. صحیح زراره و محمد بن مسلم و ابا بصیر و برید بن معاویه و فضیل بن یسار از امام باقر و امام صادق علیهما السلام:

قالا: فرض الله عز وجل الزكاة مع الصلوة في الاموال و سنها رسول الله صلی الله علیه و آله في تسعة اشياء و عفى رسول الله صلی الله علیه و آله عما سواهن: في الذهب و الفضة و الابل و البقر و الغنم و الخنطة و الشعير و التمر و الزبيب و عفى رسول الله صلی الله علیه و آله عما سوى ذلك.^۱

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: خداوند عز و جل زکات در اموال را با نماز واجب کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را در نه چیز قرار داد و غیر آن را بخشید. در طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش و پیامبر صلی الله علیه و آله غیر از این موارد را بخشید.

چنان که ملاحظه می شود، این دسته از روایات که عمدتاً صحیح و موثق است، دلالت دارد بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله زکات را در نه چیز قرار داد و سایر موارد را بخشید، اما در خصوص اینکه آیا این عمل پیامبر (قرار دادن زکات در نه چیز) بر یک حکم دائمی و ثابت دلالت دارد و یا اینکه یک حکم ولایی و حکومتی بوده، اختلاف وجود دارد.

بیشتر فقها قول نخست را برگزیده اند و روایات مزبور را دلیل بر انحصار زکات در موارد نه گانه دانسته اند، لکن برخی^۲ معتقدند جمله «عفی رسول الله صلی الله علیه و آله عما سوى ذلك» در انتهای این روایات، دلالت دارد بر اینکه تعیین موارد نه گانه از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط به عنوان صلاح دید و اعمال رویه حکومت وقت بوده و با شرایط اقلیمی و زمانی سنجیده شده است، نه اینکه حکم ابدی خدا باشد.

۱. همان، ص ۳۳.

۲. محمد تقی جعفری، رسائل فقهی، ج ۱، ص ۶۸.

روایات دسته دوم:

در این روایات^۱ ضمن نقل سنت پیامبر ﷺ مبنی بر قرار دادن زکات در نه چیز، تأکید شده است که حکم فعلی نیز همان سنت و روش پیامبر ﷺ است.

برخی از این روایات:

۱. خبر محمد بن جعفر طیار از امام صادق ﷺ:

قال: سألت أبا عبد الله ﷺ عما تجب فيه الزكاة، فقال في تسعة أشياء: الذهب و الفضة و الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و الأبل و البقر و الغنم و عفى رسول الله ﷺ عما سوى ذلك، فقلت: أصلحك الله فإنّ عندنا حباً كثيراً، قال: فقال: و ما هو؟ قلت: الأرز، قال: نعم ما أكثره، فقلت: أفيه الزكاة؟ فزبرني، قال ثم قال: أقول لك: إنّ رسول الله ﷺ عفى عما سوى ذلك و تقول: إنّ عندنا حباً كثيراً أفيه الزكاة؟^۲

محمد بن جعفر طیار گوید: از امام صادق ﷺ از چیزهایی که در آن زکات است، سؤال کردم، حضرت فرمود: نه چیز است: طلا، نقره، گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و گوسفند و پیامبر ﷺ غیر اینها را بخشید. به حضرت عرض کردم: خدا شما را سلامت بدارد! ما حبوبات زیادی داریم. حضرت پرسید: آن حبوبات چیست؟ گفتم: برنج. حضرت فرمود: بله، خیلی زیاد است. پرسیدم آیا در آن زکات است؟ حضرت ناراحت شد و گفت: به تو می گویم پیامبر ﷺ غیر آنها را بخشید، حال تو می گویی در نزد ما حبوبات زیادی است، آیا در آن زکات است؟

این روایت را شیخ طوسی از علی بن الحسن بن فضال از محمد بن عبیدالله بن علی الحلبي و العباس بن عامر جمعاً از عبدالله بن بکیر از محمد بن جعفر الطیار نقل کرده

۱. احادیث ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۷ از «باب وجوب الزكاة في التسعة ...» و حدیث ۸ و ۹ از «باب استحباب الزكاة فيما سوى الغلات من الحبوب التي تكال و عدم وجوبها فيما عدل الاربع ...» و احادیث «باب عدم وجوب الزكاة في شيء من الحيوان غير الانعام الثلاث ...» و نیز احادیث «باب عدم وجوب الزكاة في شيء من الحيوان غير الانعام الثلاث ...» و نیز احادیث «باب عدم وجوب الزكاة في مال التجارة ...» از کتاب وسائل الشیعه از این نمونه است.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۶.

است. علی بن الحسن فضال، فطحی مذهب است ولی بیشتر رجال حدیث، او را ثقه می دانند^۱. محمد بن عبیدالله مجهول الحال است. محمد الطیار هم مجهول است؛ زیرا باقی ماندن محمد بن جعفر ابی طالب تا عصر امام صادق مشکل است.^۲

۲. مرسل قماط از امام صادق علیه السلام:

أَنَّهُ سئل عن الزكاة فقال: وضع رسول الله صلى الله عليه وآله الزكاة على تسعة وعفی عما سوى ذلك: الخنطة والشعير والتمر والزبيب والذهب والفضة والبقرة والغنم والابل. فقال السائل: والذرة، فغضب صلى الله عليه وآله ثم قال: كان والله على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله السماسم والذرة والدخن وجميع ذلك، فقال: إنهم يقولون: انه لم يكن ذلك على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وإنما وضع على تسعة لما لم يكن بحضرته غير ذلك، فغضب وقال: كذبوا فهل يكون العفو إلا عن شيء قد كان ولا والله ما أعرف شيئاً عليه الزكاة غير هذا، فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر.^۳

از امام صادق علیه السلام در باره زکات سؤال می شود، حضرت می فرماید: رسول خدا صلى الله عليه وآله زکات را در نه چیز قرارداد و غیر آن را بخشید. گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گاو، گوسفند، و شتر. سؤال کننده پرسید: ذرت چطور؟ حضرت ناراحت شد و فرمود: به خدا قسم در عصر حضرت رسول صلى الله عليه وآله کنجد، ذرت، ارزن و همه حیوانات وجود داشت. سؤال کننده گفت: آنان می گویند چون اینها در زمان رسول خدا صلى الله عليه وآله نبوده او زکات را در نه چیز قرارداد. حضرت ناراحت شد و فرمود: دروغ می گویند. آیا عفو جز از چیزی که موجود است، امکان دارد؟ خیر، به خدا قسم من چیزی غیر از این نه چیز که زکات بر آن وضع شده باشد، نمی شناسم. هر کس می خواهد ایمان بیاورد و هر کس می خواهد کفر بورزد!

این روایت را شیخ صدوق در معانی الاخبار از پدرش از محمد بن یحیی از محمد بن احمد از موسی بن عمر از محمد بن سنان از ابی سعید القماط از (کسانی که ذکر کرده) از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۸۱؛ رجال المجلسی، ص ۲۵۸.

۲. کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۳.

این روایت، مرسل است و عدم ذکر آن در کتب اربعه، چه بسا موجب ضعف آن باشد.^۱ علاوه بر آن، محمد بن سنان در روایت، فرد ضعیفی است. نجاشی در باره او گوید:

ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید گوید: او (محمد بن سنان) از امام رضا علیه السلام روایت می کرده است و مسائلی دارد که به ایشان عرض نموده است، ولی بسیار مرد ضعیفی است و بر او اعتمادی نیست، (بویژه) به مسائلی که فقط او نقل کرده است، نمی شود توجه کرد.^۲

اما علامه مامقانی در باره او دو قول نقل می کند: قول نخست، قول نجاشی، شیخ طوسی، شیخ مفید در رساله عددیه و عده ای دیگر که بر ضعف او تأکید کرده اند و قول دوم، قول شیخ مفید از ارشاد و قول عده ای دیگر که بر وثاقت و صحیح الاعتقاد بودن او صحه گذاشته اند.^۳

به هر حال روایت فوق که صریح ترین روایت در خصوص انحصار زکات در موارد نه گانه است، از جهت سند، ضعفهای متعددی دارد.
۳. موثقه زراره و بکیر از امام باقر علیه السلام:

قال: ليس في شيء اثبتت الارض من الارز والذرة والدخن والحمص والعدس و سائر الحبوب و الفواكه غير هذه الاربعة الاصناف و ان كثر ثمنه زكاة إلا أن يصير مالا يباع بذهب أو فضة تكنزه ثم يحول عليه الحول و قد صار ذهباً أو فضة فتؤدى عنه من كل مائتي درهم خمسة دراهم و كل عشرين ديناراً نصف دينار.^۴

امام باقر علیه السلام فرمود: در هیچ یک از چیزهایی که از زمین می روید؛ مثل برنج، ذرت، ارزن، نخود، عدس و سایر حبوبات و میوه ها بجز این اشیای چهار گانه، زکات نیست؛ اگر چه قیمت آن زیاد باشد. جز آنکه به مالی تبدیل شود که به طلا و نقره فروخته شود و ذخیره شده و یک سال بر آن بگذرد. وقتی به طلا و نقره تبدیل شد، باید از هر دویست

۱. کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۳۱.

۳. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۲۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۱.

درهم، پنج درهم و از هر بیست دینار، نیم دینار پرداخت شود.

چنان که ملاحظه می شود، ائمه علیهم السلام در این روایات، زکات را فقط در نه چیز واجب دانسته اند و سایر موارد را به صراحت رد کرده اند، لکن بسیاری از احادیث این دسته (روایات دسته دوم)، از جهت سند، به دلیل ارسال و یا مجهول بودن راوی، ضعیف است.

نکته ای دیگر که در خصوص این دسته از روایات جلب توجه می کند، آن است که هیچ یک از این روایات در کتاب کافی نیامده، بلکه بیشتر آنها را شیخ طوسی در کتب خود نقل کرده است. دلیل این مطلب، چنان که قبلاً احتمال دادیم، آن است که چون مرحوم کلینی به انحصار زکات در موارد نه گانه اعتقاد نداشته، از آوردن آنها خودداری کرده است.

روایات دسته سوم:

روایاتی که ظاهراً بر وجوب زکات در غیر از موارد نه گانه دلالت دارد، لکن بیشتر فقها آنها را بر استحباب یا تقیه حمل کرده اند. روایات باب ۹، ۱۳، ۱۶ و روایت چهارم از باب ۱۱ و همچنین روایت دوم از باب ۱۷ از ابواب «ما تجب فیه الزکاة و ما تستحب فیه» کتاب وسائل الشیعه (مجموعاً حدود ۲۸ روایت) از این نمونه است که در اینجا به بررسی پاره ای از آنها می پردازیم.

۱. خبر محمد بن مسلم:

سألته عن الحبوب ما یزکی منها، قال علیه السلام: البرّ والشعیر والذرة والدخن والارز والسلت والعدس والسسم کل هذا یزکی و أشباهه.^۱

محمد بن مسلم گوید از امام علیه السلام سؤال کردم به چه حبوباتی زکات تعلق می گیرد؟ فرمودند: گندم، جو، ذرت، ارزن، برنج، جو پوست کنده، عدس و کنجد، به همه آنها و مانند آن زکات تعلق می گیرد.

سند این روایت صحیح است و دلالت آن بر وجوب زکات در حبوباتی مثل برنج، عدس، کنجد و... که خارج از موارد نه گانه است، آشکار است؛ زیرا این حبوبات در کنار غلات چهار گانه آمده، از این رو حمل برخی بر وجوب و حمل سایر موارد بر استحباب، بسیار بعید است.

۱. همان، ج ۶، ص ۴۰.

۲. کلینی می گوید: مثل همین روایت را حریر نیز از زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده و به دنبال آن حضرت می فرماید:

كل ما كيل بالصاع فبلغ الاوساق فعليه الزكاة وقال: جعل رسول الله صلى الله عليه وآله الصدقة في كل شيء ائبنت الارض الا ما كان في الخضر والبقول وكل شيء يفسد من يومه.^۱

در چیزی که با پیمانانه سنجیده شود و به چند وسق (هر وسق شصت صاع و هر صاع سه کیلو است) برسد، در آن زکات است. سپس حضرت فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله صدقه را در هر چیزی که از زمین برآید، قرارداد، بجز سبزی و صیفیجات و هر چیزی که همان روز فاسد می شود.

از شیوه نقل کلینی در امثال این موارد معلوم می شود که روایت زراره با همان سند روایت محمد بن مسلم نقل شده، پس این روایت هم از نظر کلینی صحیح است.^۲

۳. خیر ابا بصیر از امام صادق علیه السلام:

قال: قلت لابي عبدالله عليه السلام: هل في الارز شيء؟ قال: نعم، ثم قال: ان المدينة لم تكن يومئذ ارض ارز فيقال فيه ولكنه قد جعل فيه و كيف لا يكون فيه و عامة خراج العراق منه.^۳

ابا بصیر گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا در برنج زکات است؟ حضرت گفت: بلی، سپس فرمود: در زمان پیامبر صلى الله عليه وآله در مدینه برنجکاری نبود تا از آن زکات گرفته شود، اما در آن زکات قرار داده شده است، چگونه در آن زکات نباشد، در حالی که بیشتر خراج عراق از برنج است.

۴. روایات مستفیضه ای که ظاهراً بر وجوب زکات در مال التجاره دلالت دارد؛ از جمله صحیحیه محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام:

قال: سألت ابا عبدالله عليه السلام عن رجل اشترى متاعاً فكسده عليه متاعه و قد زكى ماله قبل

۱. کافی، ج ۳، ص ۵۱۰.

۲. مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۶، ص ۴۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۱.

ان یشتري المتاع، متى یزکیه؟ فقال: إن كان أمسك متاعه یتتقی به رأس ماله فلیس علیه زکاة و إن کان حبسه بعد ما یجد رأس ماله فعليه الزکاة بعد ما أمسکه بعد رأس المال ... ۱.

محمد بن مسلم گوید: در باره شخصی که کالایی خریده و در نزد او مانده، در حالی که قبل از خرید کالا زکات پولش را پرداخته است، از امام صادق علیه السلام پرسیدم این شخص چه زمانی باید زکات آن را بدهد؟ فرمودند: اگر کالا را نگه داشته تا به همان قیمتی که خریده بفروشد، زکاتی بر او واجب نیست، ولی اگر با اینکه اصل سرمایه اش را به او می داده اند، کالا را نگه داشته، از زمانی که کالا را نگه داشته است، پرداخت زکات بر او لازم است.

سند حدیث، صحیح است و ظاهر آن دلالت دارد بر وجوب زکات در مال التجاره، در صورتی که تاجر، کالا را نگه دارد تا به قیمتی بالاتر از قیمت خرید بفروشد.

۵. روایاتی که ظاهر آن بر وجوب زکات در اسب دلالت دارد؛ از جمله صحیح محمد بن مسلم و زراره از امام باقر و امام صادق علیهما السلام:

قالا: وضع امیر المؤمنین علیه السلام علی الخیل العتاق الراعیة فی کل فرس فی کل عام دینارین و جعل علی البرازین دیناراً.^۲

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام بر اسبهای اصیل که به چراگاه می رفتند، در هر سال دو دینار و بر اسبهای غیر اصیل (یابو) یک دینار وضع کرد.

سند این حدیث، صحیح است و ظاهر آن دلالت دارد بر اینکه حضرت علی علیه السلام زکات را در اسب واجب کرده است.

روایات دسته چهارم:

اخباری که دلالت دارد بر اینکه علت اصلی تشریح زکات، رفع احتیاجات نیازمندان بوده و خداوند زکات را در اموال ثروتمندان به اندازه نیاز فقرا قرار داده است؛ از جمله:

۱. صحیحہ عبداللہ بن سنان از امام صادق علیه السلام:

۱. همان، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۵۰.

قال: ان الله عز وجل فرض الزكاة كما فرض الصلاة، فلو ان رجلاً حمل الزكاة فاعطاها علانية لم يكن عليه في ذلك عيب وذلك ان الله عز وجل فرض للفقراء في اموال الاغنياء ما يكتفون به ولو علم ان الذي فرض لهم لا يكفيهم لزادهم، وانما يؤتى الفقراء فيما اوتوا من منع من منعهم حقوقهم لا من الفريضة.^١

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند عز وجل زکات را واجب کرد؛ همان گونه که نماز را واجب کرد. از این رو اگر شخصی زکات خود را بردوش گرفته و به صورت علنی [به فقرا] بپردازد، هیچ بر او عیب نیست و این بدان علت است که خداوند عز وجل برای نیازمندان در اموال ثروتمندان آنچه را کفایت نیاز آنان کند، واجب کرد و اگر خدا می دانست آنچه واجب کرده، برای نیاز آنان کفایت نمی کند، حتماً آن را زیادتراً قرار می داد؛ لذا وضعیت بد فقرا ناشی از عمل کسانی است که آنان را از حقیقتشان منع کرده اند، نه به جهت آنچه خداوند برای آنان معین فرموده.

٢. خبر این مسکان و گروهی از رویان از امام صادق عليه السلام:

قال: ان الله عز وجل جعل للفقراء في اموال الاغنياء ما يكفيهم ولو لا ذلك لزادهم وانما يؤتون من منع من منعهم.^٢

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند عز وجل در اموال ثروتمندان برای نیازمندان به اندازه کفایت آنان حق قرار داده است و اگر چنین حقی کافی نبود، آن را بیشتر می کرد. پس محرومیت آنها به خاطر نپرداختن حقیقتشان است.

٣. در خبر معتب از امام صادق عليه السلام آمده است:

انما وضعت الزكاة اختيباراً للاغنياء ومعونة للفقراء ولو ان الناس ادوا زكاة اموالهم، مابقى مسلم فقيراً محتاجاً ولا ستغنى بما فرض الله له وان الناس ما افتقروا ولا احتاجوا ولا جاوعوا ولا عروا الا بذنوب الاغنياء ...^٣

امام صادق عليه السلام فرمود: همانا زکات برای آزمایش ثروتمندان و کمک به نیازمندان

١. همان، ص ٣.

٢. همان، ص ٤.

٣. همان.

قرار داده شده است و اگر مردم زکات اموالشان را می پرداختند، دیگر مسلمان فقیر و نیازمندی باقی نمی ماند و با آنچه خدا برای او واجب کرده بود، بی نیاز می شد. مردم، فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نشدند، مگر به سبب گناه ثروتمندان.

اگر چه این احادیث، عام بوده، به صراحت، اشاره ای به موارد و وجوب زکات ندارد، لکن رفع احتیاجات نیازمندان، معیار کلی و علت مشترکی است که در همه آنها برای تشریح زکات مورد تأکید قرار گرفته است. به همین دلیل برخی^۱ معتقدند با توجه به این علت مشترک، زکات از جمله احکام منصوص العلة است که بر اساس آن علت و تحقق و عدم تحقق آن، دایره حکم، توسعه و یا تضییق می یابد؛ یعنی می توان مطابق احتیاجات نیازمندان در زمانها و مکانهای مختلف، موارد و متعلقات زکات را توسعه داد.

بنابر این، چنانچه موارد و وجوب زکات را به گونه ای محدود کنیم که عملاً نتواند پاسخ گوی احتیاجات نیازمندان جامعه باشد، با ظاهر این روایات مخالفت کرده ایم.

در مبحث پیشین هنگام نقل هر حدیث، به درجه اعتبار و درستی سند آن به نحو اجمال اشاره کردیم. به طور کلی می توان گفت در هر چهار دسته از روایاتی که نقل شد، اخبار معتبر (اعم از صحیح، حسن و موثق) به اندازه کافی وجود دارد؛ جز آنکه در اخبار دسته دوم که صراحت داشت بر انحصار زکات در موارد نه گانه، اخبار ضعیف بیشتری نسبت به سایر دسته ها وجود دارد.

بسیاری از فقها معتقدند روایات انحصاری (روایاتی که بر انحصار زکات در موارد نه گانه دلالت دارد) مشهورتر و بیشتر از روایات غیر انحصاری و دلالت آنها نیز آشکارتر است.^۲

لکن در کافی که از معتبرترین کتابهای حدیثی شیعه است، تنها سه حدیث به موارد نه گانه اختصاص یافته که دو مورد آن در بابی با عنوان «باب ما وضع رسول الله ﷺ الزکاة علیه» آمده که از آن، ولایی و حکومتی بودن عمل پیامبر ﷺ استشعار می شود. علاوه بر

۱. محمد تقی جعفری، رسائل فقهی، ج ۱، ص ۶۷.
۲. الانتصار، ص ۲۱۰؛ مجمع الفائدة والبرهان، ج ۴، ص ۴۱.

اینکه در ذیل حدیث دوم، توضیح یونس بن عبدالرحمن را مبنی بر اینکه موارد نه گانه مربوط به آغاز نبوت پیامبر ﷺ بوده، آورده است، در صورتی که در همین کتاب کافی بالغ بر هجده روایت آمده که ظاهر آنها بر وجوب زکات در اشیایی بجز موارد نه گانه دلالت دارد؛ برخی از این اشیا عبارت است از مال التجارة، اسب و حبوباتی مثل برنج، ارزن، عدس و ...^۱

حتی در کتاب وسائل الشیعه که مؤلف آن نظریه انحصار زکات در موارد نه گانه را اختیار کرده است هم تعداد روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر وجوب زکات در غیر از موارد نه گانه دارد، کمتر از روایات انحصاری نیست.^۲

بنابر این، نمی توان گفت روایات انحصاری بیشتر از سایر روایات است، اگر چه دلالت روایات انحصاری، ظاهرتر از روایات مخالف است.

بررسی تعارض روایات

پیش از بررسی تعارض روایات، خلاصه مضامین هر دسته از روایات را به منظور یاد آوری مرور می کنیم.

با توجه به مضمون چهار دسته روایاتی که ذکر شد، می توان گفت احادیث مربوط به این موضوع در موارد ذیل ظاهراً با هم متعارض است:

۱. ظاهر روایات دسته اول دلالت دارد بر اینکه اولاً، ائمه علیهم السلام با نقل این روایات از پیامبر ﷺ در صدد بیان حکم شرعی مسئله هستند، نه نقل یک واقعه تاریخی صرف در خصوص عمل پیامبر ﷺ. ثانیاً، سیره و عمل پیامبر در قرارداد زکات در نه چیز، یک حکم ثابت و دائمی است، نه حکم ولایی و حکومتی؛ چون اصل اولی در احکام و دستورهای پیامبر ﷺ دائمی و ثابت بودن آن است و فقط در مواردی که قرینه وجود دارد می توان آن را بر ولایی بودن حمل کرد.

۱. ر. ک: کافی، ج ۳، ص ۵۱۰، ۵۲۷، ۵۳۰.

۲. ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۶، باب ۸، ۹، ۱۳، ۱۶ و ۱۷ از ابواب «ما تجب فیہ الزکاة و ما تستحب فیہ».

بنابراین ظاهر این روایات با روایات دسته سوم که بر ثبوت زکات در اشیایی بجز موارد نه گانه دلالت دارد، تعارض خواهد داشت.

۲. نص روایات دسته دوم با ظاهر و حتی نص روایات دسته سوم، متعارض است؛ زیرا روایات دسته دوم به صراحت، زکات را در موارد نه گانه منحصر می داند، ولی ظاهر همه روایات دسته سوم و نص برخی از آنها بر ثبوت زکات در مواردی غیر از اشیای نه گانه دلالت دارد.

۳. اگر ثابت شود زکات اشیای نه گانه در بیشتر جوامع و به طور معمول برای رسیدگی به امور نیازمندان جامعه کفایت نمی کند، روایات دسته اول و دوم با مضمون روایات دسته چهارم تعارض خواهد داشت؛ زیرا روایات دسته چهارم تصریح داشت که زکاتی که در اموال قرار داده شده، برای اداره امور نیازمندان کفایت می کند، لکن در جوامع امروزی و در بسیاری از مناطق عالم بعینه می بینیم این اشیای نه گانه (با شرایطی که فقها برای آن قائل شده اند) به هیچ وجه برای نیازمندان جامعه کافی نیست؛ زیرا امروزه شتر، گاو و گوسفندانی که در تمام طول سال در بیابان بچرند، به ندرت یافت می شود، طلا و نقره مسکوک نیز چندان رایج نیست و در بسیاری از مناطق عالم، حیواناتی مثل گندم و جو و میوه هایی مثل خرما و انگور یا کشت نمی شود و یا اگر کشت شود، مقدار آن قابل توجه نیست.

راههای جمع بین روایات

بسیاری از فقها تعارض بین اخبار این موضوع را تعارض واقعی و مستقر ندانسته اند و بنابر قاعده «الجمع مهما أمکن أولى من الطرح» تلاش کرده اند تنافی و مخالفت ظاهری این احادیث را به طریقی حل کنند.

راههایی که برای جمع بین این روایات و حل تعارض آنها پیشنهاد شده به قرار زیر است:

راه اول: قول منتسب به یونس بن عبدالرحمن مبنی بر اینکه تعلق زکات به نه چیز و بخشیدن سایر اشیا مربوط به آغاز ثبوت پیامبر ﷺ بوده است، لذا پس از آن پیامبر ﷺ زکات

را در همهٔ حیوبات قرار داد.

به این قول اشکال شده است که اولاً، امر به اخذ زکات در آغاز نبوت نبوده، بلکه آیهٔ شریفه «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» در پایان نبوت پیامبر ﷺ نازل شده است و در صحیحه عبدالله بن سنان آمده است: ^۱ امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی آیهٔ زکات «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تَطَهِّرْهُمْ وَتَزَكِّيْهِمْ بِهَا» در ماه رمضان نازل شد، پیامبر ﷺ منادی را امر فرمودند ندا دهد که همانا خداوند تبارک و تعالی زکات را بر شما واجب گردانید؛ همان طور که نماز را واجب کرد، پس بر شما زکات واجب کرد از طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند و از گندم، جو، خرما و کشمش. این حکم را پیامبر ﷺ در ماه رمضان اعلام کرد و زکات در غیر اینها را بخشید.

ثانیاً، کلام یونس نمی تواند در جمع بین همهٔ روایات مفید باشد؛ زیرا از روایات دسته دوم چنین استفاده می شود که پس از پیامبر ﷺ هم زکات در نه چیز بوده، چه رسد به زمان خود پیامبر ﷺ.^۲

راه دوم: روایاتی را که ظاهر آن بر وجوب زکات در غیر نه چیز دلالت دارد بر استحباب حمل کنیم. این قول را شیخ مفید، شیخ طوسی و بیشتر فقیهانی که پس از آن دو آمده اند، اختیار کرده اند.

در مقنعه شیخ مفید آمده است:

زکات سایر حیوباتی که از زمین می روید و قابل پیمانانه است، به میزان یک دهم و یک بیستم، درست مانند زکات گندم و جو پرداخت می شود، ولی به عنوان مستحب مؤکد، نه فریضه واجب؛ زیرا در بارهٔ زکات سایر حیوبات از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایاتی وارد شده و از طرفی در خصوص حصر زکات در نه چیز هم روایاتی وارد شده. بدیهی است که اخبار آنها نباید تناقض داشته باشد. بنابراین راهی برای جمع بین روایات باقی نمی ماند، مگر اثبات وجوب زکات در آنچه فقها بر

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۲.

۲. کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۹.

و جوب آن اجماع دارند و حمل بر مستحب مؤکد در چیزهایی که در زکات آن اختلاف دارند و تأکیدی هم بر امر به زکات در آنها وارد نشده است.^۱

شیخ طوسی (ره) نیز در خصوص اخباری که بر ثبوت زکات در غیر اشیای نه گانه دلالت دارد می گوید: این دسته از اخبار بر نذب و استحباب حمل می شود، نه فرض و ایجاب؛ تا در بین روایات تناقض ایجاد نشود؛ چون در روایات سابق آوردیم که پیامبر ﷺ زکات را در غیر از اشیای نه گانه بخشید و حال اگر در اینها (سایر حیوانات) زکات واجب باشد، دیگر بخشش معنا ندارد.^۲

اشکالاتی بر این قول وارد شده، است:

اشکال اول: این نوع جمع بین اخبار (یعنی حمل پاره ای از روایات بر وجوب و حمل سایر آنها بر استحباب) از اقسام جمع عرفی و جمع مقبول، مثل حمل مطلق بر مقید و یا تخصیص عام با دلیل خاص نیست، بلکه جمع تبرعی است؛ لذا دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد. بنابراین حکم به استحباب، مثل دیگر احکام، احتیاج به دلیل شرعی دارد و در اخبار باب، اسمی از استحباب به میان نیامده است.^۳

البته با توجه به اینکه در روایات پیامبر ﷺ و یا ائمه ﷺ اوامری که بر استحباب دلالت دارد، فراوان است، اگر اظهر بودن دلالت روایات انحصاری را نسبت به سایر روایات بپذیریم، چنین جمعی می تواند از مصادیق تقدیم اظهر بر ظاهر باشد، لکن چون در برخی از روایات مثل خبر محمد بن مسلم از امام باقر ﷺ^۴ حیواناتی مثل برنج و ذرت در کنار گندم و جو قرار گرفته است، بعید است بتوان برخی از متعلقات یک خطاب را بر وجوب و برخی دیگر را بر استحباب حمل کرد.

اشکال دوم: اگر موارد وجوب زکات را در موارد نه گانه منحصر بدانیم، زکات جمع آوری شده پاسخ گوی موارد هشت گانه مصرف آن نخواهد بود؛ زیرا مواردی مانند طلا و

۱. الینایع الفقهیه، ج ۵، ص ۳۴.

۲. تهذیب، ج ۴، ص ۴.

۳. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۵۹.

۴. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۰.

نقره مسكوك و همچنين گاو، گوسفند و شتر سائمه (بيابان چر) در جوامع امروزي به ندرت يافت مي شود. علاوه بر اينكه كشت گندم، جو، خرما و كشمش در همه نقاط جهان معمول نيست و غذاي بسياري از مردم جهان از حبوباتي مثل برنج تأمين مي شود.

در صورتي كه در بسياري از روايات^۱ بر اين مطلب تاكيد شده است كه اگر مردم زكات مال خود را پردازند، براي رسيدگي به امور نيازمندان كافي خواهد بود.

اشكال فوق به دو صورت پاسخ داده شده است:

صورت اول: برخي معتقدند با عنايت به اينكه جهت مصرف خمس و زكات تقريباً يكسان است، خمس و بويژه خمس ارباح مكاسب مي تواند اين خلا را پر كند.

مشهور بين فقهاي اماميه همان موارد نه گانه است كه اين موارد به طور مسلم موارد زكوي ناميده مي شود، اما در غير امور نه گانه، زكات واجب نيست و مشكلات جامعه اسلامي از طريق وجوب خمس در سود حاصل از كسب، غنايم، گنج، غواصي و مانند آن بر طرف مي گردد و نظر به اينكه مصارف خمس و زكات چندان تفاوتی ندارد، مشكل نظام اسلامي از اين طريق حل مي شود.^۲

به پاسخ مزبور اين اشكال وارد است كه در احاديث تاكيد شده بود كه زكات به تنهائي براي اداره امور نيازمندان كفايت مي كند، نه مجموع زكات و خمس.

البته چنان كه برخي^۳ احتمال داده اند، اگر ارباح مكاسب و برخي ديگر از موارد خمس را از مصاديق زكات به حساب آوريم، اين اشكال تا حد زيادي مرتفع خواهد شد، كه در اين صورت، زكات ديگر منحصر در موارد نه گانه نخواهد بود، بلكه شامل مواردی مثل سود كسب، با همه گستردگي و تنوعی كه دارد و ... خواهد شد.

صورت دوم: احتمالاً منظور از رواياتي كه مي گويد: «اگر مردم زكات مال خود را مي پرداختند، فقير و محتاجي باقي نمي ماند» ناظر به اين است كه با توجه به ساير واجبات

۱. همان، ص ۳.

۲. سيد محمد حسن مرتضوي لنگرودي، مجله فقه اهل بيت، شماره ۱۰، ص ۴.

۳. منتظري، كتاب الزكاة، ج ۱، ص ۱۶۸.

مالی و صدقات مستحبی و وجوه برّ، که به هر حال عده‌ای پرداخت می‌کنند، چنانچه همه مردم زکات مالشان را نیز پردازند، دیگر فقیر و محتاجی باقی نخواهد ماند؛ چنان که این معنی را تا اندازه‌ای می‌توان از نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر به دست آورد. حضرت در این نامه خطاب به مالک می‌فرماید: «... واجعل لهم قسماً من بیت مالک و قسماً من غلات صوافی الاسلام...»^۱؛ برای فقر بخشی از بیت المال خود را و بخشی از فواید زمینهای غنیمتی اسلام را برای فقرا قرار بده...^۲.

در این نامه، حضرت به مالک امر می‌کند که غیر از زکات، از سایر درآمدها به فقرا داده شود و صریح‌تر از این، روایت قاضی نعمان مصری در کتاب دعائم است که فقره فوق را چنین نقل کرده است: «و ان تجعل لهم قسماً من مال الله يقسم فيهم مع الحق المفروض الذي جعل الله لهم في كتابه من الصدقات؛^۳ قرار بده برای آنان بخشی از مال خداوند را، که در میان آنان تقسیم می‌شود با حق واجبی که خداوند برای آنان در کتابش از زکات قرار داده است».

آری، چنان که در بسیاری از روایات^۴ آمده است، در مال، علاوه بر زکات، حقوق واجب و یا مستحب دیگری نیز وجود دارد، لکن در حاشیه قرار گرفتن زکات با آن همه شان و عظمتی که در اسلام دارد، با روح آیات و روایات و تأکیدی که در باره آن صورت گرفته، منافات دارد.

راه سوم: روایاتی را که بر ثبوت زکات در غیر از موارد نه گانه دلالت دارد، بر تقیّه حمل کنیم؛ این قول را سید مرتضی محتمل دانسته و تعدادی از فقها، از جمله صاحب حدائق و مؤلف مصباح الفقیه به آن تمایل پیدا کرده‌اند.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. سید محمد رضا مدرسی، زکات و خمس در اسلام، ص ۷۳.

۳. به نقل از مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۵.

۴. ر. ک: وسائل الشیعه، باب ۷ از ابواب «ما تجب فيه الزكاة وما تستحب فيه».

سید مرتضی در الانتصار^۱ در خصوص اخباری که ابن جنید به آن تمسک کرده است، می‌گوید: روایاتی که ابن جنید به آن تمسک کرده، با روایاتی که ظاهرتر، بیشتر و قوی‌تر از آنهاست، تعارض دارد؛ از این رو ممکن است صدور آن روایات، حمل بر تقیه شود؛ چون اکثر مخالفان امامیه به وجوب زکات در جمیع اصناف قائل هستند.

شیخ یوسف بحرانی نیز در کتاب الحدائق الناضره^۲ می‌نویسد: با توجه به اینکه در اختلاف احکام شرعی، تقیه ریشه اختلافات است، در نزد من اظهر آن است که این اخبار را (اخباری که بر ثبوت زکات در غیر نه چیز دلالت دارد) بر تقیه حمل کنیم؛ زیرا چنان که علامه در منتهی نقل کرده، قول به وجوب زکات در این اشیا قول شافعی، ابوحنیفه، مالک، ابو یوسف و محمد است.

بر سخن صاحب حدائق اشکال شده است که تقیه یک ضرورت است و ضرورتها هم به مقدار وجود ضرورت معین شده است، نه بیشتر (الضرورات تقدر بقدرها) در صورتی که در بسیاری از روایاتی که بر ثبوت زکات در اشیایی بجز موارد نه گانه دلالت دارد، به مقدار ضرورت، یعنی پاسخ اجمالی اکتفا نشده و چه بسا حکم مسئله به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است.

مثلاً در موقفه^۳ ابابصیر وقتی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: آیا در برنج زکات است؟ امام پاسخ می‌دهند: بلی ولی به این پاسخ اکتفا نکرده و در ادامه می‌فرماید: «در مدینه در آن روز برنج نبود تا در آن زکات قرار داده شود، آری در آن زکات است، چرا نباشد در حالی بیشتر خراج عراق از برنج است».

یا در صحیح زراره و محمد بن مسلم^۴، وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌شود در

۱. الینایع الفقهیه، ج ۵، ص ۷۶.

۲. ج ۱۲، ص ۱۰۸.

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۱.

۴. همان، ص ۴۰.

چه حیوباتی زکات است؟ امام علیه السلام ضمن بر شمردن حیوباتی مثل گندم، جو، ذرت، برنج و ... اضافه می کند: «هر چه با پیمانانه اندازه گیری شود و به پنج وسق برسد، در آن زکات است.» سپس در ادامه می فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله زکات را در هر چه از زمین می روید قرار داد، به استثنای سبزیجات، صیفیجات و چیزهایی که در طول روز فاسد می شود».

بدیهی است اگر بنای ایشان بر تقیه بود، همان پاسخ اول، یعنی بر شمردن تعدادی از حیوبات کافی بود و نیازی نداشت جملات بعدی را اضافه کنند و آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت دهند^۱.

راه چهارم: تعیین موارد زکات از اختیارات حاکم اسلامی است؛ بنابراین اگر اختلافی در احادیث مشاهده می شود، از تفاوت زمان و شرایطی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام وجود داشته است، ناشی می شود.

برخی این نظریه را به عنوان یکی از راههای محتمل برای رفع تنافی اخبار مطرح کرده اند:

اصل وجوب زکات از احکام اساسی و بسیار مهم اسلام است، ولی چون منابع مالی مردم و ثروت آنان به حسب زمانها و مکانها مختلف و دین اسلام هم برای همه انسانها تشریح شده است، از این رو، اصل ثبوت زکات در قرآن کریم آمده، ولی متعلقات آن به صورت مشخص ذکر نشده است، بلکه به عموماتی مثل «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» و ... اکتفا شده است. بنابراین، بیان متعلقات زکات بر عهده اولیای مسلمین و حاکمان به حق، گذارده شده است و از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان اینکه در زمان خود، حاکم مسلمین بوده، زکات را در نه چیز قرار داده است. این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله به این دلیل بوده که اشیای نه گانه عمده ثروت عرب در آن روزگار محسوب می شده است و شاید پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر عمر شریفشان زکات را در بیشتر از نه چیز قرار داده باشند و چنان که پاره ای از روایات دلالت دارد. چه بسا ائمه علیهم السلام هرگاهی در بیشتر از نه چیز قرار داده باشند و شاید وقتی آنها می دیدند

۱. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۶۲.

زکاتی که از مردم گرفته می شود، در جهت تقویت حکام جور مصرف می شود، برای مخالفت با آنها به سیره پیامبر ﷺ و احادیث مربوط به اشیای نه گانه استناد کرده باشند.^۱

شهید صدر(ره) نیز در بخشی در خصوص نحوه انطباق احکام اسلام با مقتضیات زمان، ضمن تقسیم احکام اسلامی به احکام ثابت و متغیر و اختیاراتی که حاکم اسلامی در خصوص احکام متغیر دارد، با استناد به اقدام حضرت علی علیه السلام در باره گرفتن زکات از اسب می گوید: این عنصر متحرک در احکام اسلامی آشکار می سازد که زکات به عنوان یک نظریه اسلامی به مال خاصی اختصاص ندارد، بلکه ولی امر مسلمین می تواند بر هر چه ضروری بداند، آن را انطباق دهد.^۲

در رد این نظریه گفته اند^۳: اساساً در مواردی که متعلقات یا مقادیر یک حکم مالی وابسته به نظر ولی امر و حاکم مسلمین است، نحوه بیان ائمه علیهم السلام و روش سؤال راویان با آنچه در باب زکات وارد شده، متفاوت است؛ مثلاً در روایت معتبری زراره می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ما حد الجزية علی اهل الكتاب و هل علیهم فی ذلك شیء موظف لاینبغی أن یجوز الی غیره؟ فقال: ذلك الی الامام، یاخذ من کل انسان منهم ما شاء علی قدر ماله و ما یطیق»^۴؛ اندازه جزیه بر اهل کتاب چقدر است و آیا مقدار معینی است که نمی توان از آن تجاوز کرد؟ فرمودند: وابسته به نظر امام است، از هر کس به میزانی که بخواهد، به اندازه مال و توانش می گیرد.

یا در باره خراج از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: «... و ما أخذ بالسيف فذلك الی الامام یقبله بالذی یری ...»^۵؛ آنچه با جنگ گرفته می شود، وابسته به نظر امام

۱. همان، ص ۱۶۶.

۲. الاسلام یقود الحیاة، ص ۴۳-۵۲.

۳. زکات و خمس در اسلام، ص ۶۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۱۳.

۵. همان، ص ۱۲۰.

است، قرارداد می‌بندند به آنچه در نظر دارد.

در پاسخ این اشکال باید گفت: همان گونه که در روایات مزبور آمده است، در برخی از موارد، در متن روایات بر حکومتی و ولایی بودن حکم، تصریح شده است، لکن این موضوع در همه جا عمومیت ندارد و چنین قیدی در بسیاری از احادیث دیده نمی‌شود.

مثلاً از حضرت علی علیه السلام در باره حدیث «غیروا الشیب و لا تشبهوا بالیهود»؛ موها را رنگ کنید و مانند یهودی‌ها نباشید، سؤال شد؟ فرمودند: این دستور مخصوص زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ این یک تاکتیک جنگی بود تا دشمن نگوید اینها تعدادی پیر و ضعیف هستند، ولی امروز مردم مختارند، خود حضرت علی علیه السلام هم به این روایت عمل نمی‌کرد.^۱

بنابراین، با توجه به اینکه در روایات، احکام ولایی و حکومتی از سایر احکام، به روشنی تفکیک نشده، وظیفه فقیه است که با اجتهاد خود و با مقایسه احادیث با یکدیگر تشخیص دهد چه حکمی جزو احکام ولایی و موقتی است و چه حکمی از احکام ثابت و تغییرناپذیر به شمار می‌آید.

راه پنجم: روایات دسته سوم، یعنی روایاتی که ظاهر آنها بر وجوب زکات در بیش از نه چیز دلالت دارد، بر روایات معارض ترجیح داده شود؛ زیرا همان گونه که پیش‌تر گفتیم، علاوه بر آنکه تعداد این روایات بیشتر است، مفاد آن با عمومات قرآنی، مثل «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» و «انفقوا من طیبات ما کسبتم» موافق‌تر است.

۱. سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۹.